

یاد دوست

همچون قهرمانان آثار کلاسیک



علی‌اصغر دشتی

● چیزی کم است. چیز بزرگی در این میانه کم است. باور نمی‌کنم مرگ یک سیاستمدار بتواند خواب از آدم براید؛ اما توانسته است و به هنگام بی‌خوابی دائم از خود می‌پرسم؛ چه چیز را از دست داده‌ایم که چنین یکپارچه از مرگ یک سیاستمدار بهمت‌زده‌ایم. مرگ او چنان نتیجه باورنکردنی یک انتخابات است، هیچ شبیه نتایج به خواست ما یا قابل پیش‌بینی ما نیست. حالا ما به‌بوت به نتیجه خیره و مضطرب از فردا! چیزی در ما کم است که در خبر مرگ یک پیر ۸۲ساله سیاست در شوک و بهت به سر می‌بریم؛ یا چیزی در او زیاد است؟! یا همه این سخن برعکس است، چیزی در او کم است و همان چیز در ما زیاد؛ به‌راستی این نام «اکبر هاشمی‌پهرمانی» کیست که در دهه گذشته یک بار مانند ضد قهرمانان آثار کلاسیک نامش را از برگه‌ها حذف می‌کنیم و بار دیگر با دستانی لرزان اما دیرهنگام نامش را بر کاغذ حک می‌کنیم و بار دیگر که ضدقهرمان وار او با دست دیگری حذف می‌شود، بیرون از گود به اشارت او بازی به هم می‌خورد و چنان می‌شود که او می‌خواهد و مانند قهرمانان آثار کلاسیک بر خواست خود چنان پا می‌فشارد که می‌شود. این جابه‌جایی از یک ضدقهرمان محض برای جامعه‌ها ناگام ما آنگاه که قهرمان ایدئولوژی‌های سیاسی است، چگونه به قهرمان همان مردمان همچنان ناگم بدل می‌شود؛ درست در هنگامه‌ای که برای ایدئولوژی‌های سیاسی یک ضدقهرمان است. یک زیست؛ چگونه به یک سیاستمدار فرصت این جابه‌جایی شگفت را می‌دهد؟! به‌راستی او کیست؟ آری کیست؟ نمی‌گویم که بود! او کیست؟ چراکه مرگ او نیز مانند زیست او از دقیق اولیه آغازی دوباره می‌کند و معادلات را چنان برهم می‌زند که کوئی با نگاهی تیز می‌گوید، پیش از جابه‌جایی بعدی شما را ترک می‌گویم! حالا ما تنهای جابه‌جایی بعدی هستیم و یک خلا بزرگ که از خطاها پدید آمده... به‌راستی ما با این پرسش تاریخی چه خواهیم کرد؟ او را دوست داشته‌ایم یا نه؟ ما از مرگ کسی که دوستش می‌داشتیم، در شوکیم یا در اضطراب فردایی که هرگز به دست نیامد؟! به‌راستی پیرمرد! تو اسباب بازی ما بودی یا ما اسباب بازی تو که مرگت برای‌مان بازی را از ترسناک‌تر می‌کند که تو در ساخت‌وسازش بزرگ‌ترین سهم را داشته‌ای؟ چه آن هنگام که به خیال ما آن‌گونه «شد» که ما «خواستیم»؛ چه آن هنگام که باز به خیال ما آن‌گونه «نشد» که ما «خواستیم»؛ من بیدارم و به نتیجه یک انتخاب یا یک انتخابات می‌اندیشم، به مرگ تو در آغاز یک شامگاه و در دقیقه ۹۰ یک بازی ۹۰دقیقه‌ای ایست قلب و نتیجه انتخابات ایالات متحده و به «تاریخ» که بی‌وقفه می‌سازد، خویش رام! و من در ۴۰۰ سالگی ۴۰۰ سال تاریخ را سیاسی‌وار تجربه می‌کنم، بی‌آنکه فعال سیاسی باشم. من، نسل من و نسل پس از من فقط در این بازی غریب که تو ساخته‌ای، «زندگی» را تما می‌کردیم و می‌کنیم و مرگ تو یک قوسم را از توهم «زندگی» دورتر و دورتر می‌کند و این تردید بزرگ یک بازی صدساله است؛ به‌راستی به دست خواهیم آورد؟

زیر آسمان فیروزه ای

بخش سودای سیمرغ کامل شد

● **شرق:** پنج فیلم دیگر به بخش سابقه سینمای ایران (سودای سیمرغ) سی‌وپنجمین جشنواره ملی فیلم فجر اضافه شد و با این حساب تعداد فیلم‌های این بخش به ۳۳ فیلم رسید. فیلم‌های اضافه‌شده «آناناج» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی هاتف علیمردانی، «فصل نرگس» به کارگردانی نگار آذربایجانی و تهیه‌کنندگی سحر صباغ‌سروش، «خوب، بد، جلف» به کارگردانی پیمان قاسم‌خانی و تهیه‌کنندگی محسن کینی و عبدالله اسکندری، «اُتو» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی اصغر یوسفی‌نژاد و «کوپال» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی کاظم ملانی هستند که به‌این‌ترتیب فهرست بخش سودای سیمرغ را کامل کردند.

حضور ۳ هزار سینماگر در مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی

● **شرق:** بیش از سه هزار سینماگر صبح امروز در مراسم تشییع پیکر مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی شرکت می‌کنند. خانه سینما پیام تسلیتی را صادر کرد: انا الله و انا الیه راجعون؛ از شمار دو چشم، یک تن کم/ از شمار خرد، هزاران بیش؛ شخصیتی مؤمن، سخت‌کوش، مقید و متعهد به آرمان‌های سترگ انقلاب اسلامی ایران، جهان فانی را ترک کرد و همه ما سینماگران را در سوگی عظیم قرار داد. فقدان این عالم بزرگ را به ملت ایران تسلیت عرض می‌کنیم و برای ایشان غفران الهی را مسئلت می‌کنیم. خانه سینمای ایران به پاس احترام و با قدردانی از خدمتگزاران ایران اسلامی با همه اعضای خود در مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی حاضر خواهد شد.»

رسول صدراعلمی پیش از اینکه در سینما کار کند، خبر نگار بود؛ آن هم در روزنامه اطلاعات. روزنامه مهمی که روزهای پرتب‌وتاب انقلاب در انعکاس اخبار نقش بسزایی داشت. وقتی خبر فوت اکبر هاشمی‌رفسنجانی را شنید، گفت او خاطرات زنده انقلاب بود که متأسفانه دیگر نیست. با او درباره ایشان گفت‌وگوی کوتاهی انجام دادیم.

اگر بخواید آقای هاشمی را در یک جمله تعریف کنید، به چه ترکیب واژگانی‌ای خواهید رسید؟

به نظر من آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی مردی بود که همیشه و در هر شرایطی لبخند از لبانش محو نمی‌شد.
● **به نظر شما این یک حسن است؟**
بله، به‌ویژه در کشور ما که از ابتدای انقلاب خطرات و وقایع زیادی را پشت سر گذاشته است، سیاستمداری که در هر شرایط خودش را حفظ کند و با صبوری و آرامش به حل چنین مسائلی بپردازد، خیلی مهم و حتماً واجد ویژگی‌های منطقی و مثبت است.

حالا کاری ندارم که در این مسیر نتیجه چه بود؛ اما آنچه مهم به نظر می‌رسد، روش و منش معقولانه یک سیاستمدار در برخورد با وقایع است. به نظر آقای هاشمی واجد چنین خصوصیتی بود و به مفهوم واقعی در برخورد با حوادث صبوری می‌کرد.

● **از خاطرات‌تان در مواجهه با آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در روزهای اول انقلاب بگویید؟**
خب در روزهای نخست انقلاب من بیشتر با آیت‌الله شهید بهشتی در ارتباط بودم؛ اما در چند موردی که با آقای هاشمی کار داشتم، ایشان واقعا مشکلات را خیلی سریع مرتفع کرد. یادم می‌آید آن زمان که در روزنامه اطلاعات بودم، به دلیل پیروزی انقلاب مدیریت این روزنامه به‌کلی تغییر کرد و در روزهای نخست که روزنامه را مصادره کرده بودند، «اطلاعات» بی‌صاحب شده بود و فردی را در جایگاه مدیریتی آن گذاشته بودند که تاجر آهن بود و هیچ ارتباطی به مسائل فرهنگی و روزنامه‌ها نداشت! فقط هم به



آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به روایت رسول صدر عاملی

مرگی باشکوه همراه با لبخند

فرانک آرتا

این دلیل که محل کار آهن فروشی‌اش نزدیک مکان روزنامه بود! به یاد دارم ساعت ۱۱ صبح یکی از روزها دراین‌باره با آقای هاشمی صحبت کردم و درباره وضعیت نایسانان روزنامه به ایشان گفتم. گفتند با امام (ره) دراین‌باره صحبت خواهیم کرد. هیچ وقت از خاطرم نمی‌رود که عصر فردای آن روز که آقای محمود دعبایی به‌عنوان سرپرست روزنامه اطلاعات معرفی شدند.

البته بعدا شما از روزنامه اطلاعات خارج شدید. آیا در زمینه فیلم‌سازی هم ایشان به شما کمک کرد؟

بله، هنگام ساختن فیلم «خونبارش» به دلیل احتیاجم به تجهیزات و ادوات نظامی نیاز به کمک داشتم؛ چون آن زمان هم هنوز سازمان سینمایی و ادارهای برای پروانه ساخت وجود نداشت؛ به‌همین‌دلیل در این زمینه آقای هاشمی هم برای گرفتن امکانات به من خیلی کمک کردند.

برای ساخت فیلم انتخاباتی آقای هاشمی در سال ۸۴ چگونه ورود پیدا کردید؟

در آن زمان آقای مهدی فیروزان با من تماس گرفتند و گفتند که می‌خواهند فیلمی برای آقای با هاشمی برای انتخابات ریاست‌جمهوری بسازند. من هم وارد کار شدم. حدود ۴۰ نفر از جوانان با گرایش‌های فکری مختلف را جمع کردم تا با آقای هاشمی گفت‌وگو کنند که حدود چهار ساعت فیلم تهیه کردیم. به نظر من گفت‌وگوها بی‌تظیر شده بود و سوالات و پاسخ‌ها عالی بودند.

آخرین باری که با آقای هاشمی ملاقات کردید، کی بود؟

یکی از نشریات (روزنامه فرهیختگان) برای نوروز ۱۳۹۴ می‌خواستند ویژه‌امای منتشر کنند و از من دعوت کردند که با آقای هاشمی گفت‌وگو کنم. خوشبختانه این گفت‌وگو صورت گرفت. جالب

است که از ایشان پرسیدم: «واقعیت این است که دلم می‌خواهد حال شما را ببرسم؛ در مجموع نگاهتان به جهان هستی و کائنات به لحاظ انسانی و فرهنگی و فارغ از مباحث سیاسی چگونه است» که پاسخ دادند: «مجموعه هستی به قدرت خداوندی در گردش است و الحمدلله در سایه علم و دانش، دست بشریت هر روز بیشتر به اسرار هستی می‌رسد. نگاهم به آینده بشریت مثبت است؛ چون علم به‌سرعت در حال افزایش کُنی و کیفی است» و بعد سؤال کردم «چشم‌انداز جایگاه ایران را چگونه می‌بینید» که گفتند: «اگر منظور شما اصطلاح سیاسی چشم‌انداز باشد، ایران در چشم‌انداز ۱۴۰۴ کشوری پیشرفته در علم و دانش و فناوری و دارای رتبه اول در منطقه است و اگر منظور شما، جدای از بحث چشم‌انداز و به معنای آینده باشد، ایران از هر جهت ظرفیت پیشرفت دارد که بستگی به مدیریت ما دارد. طبعاً خیلی‌ها مایل‌اند با ایران همکاری کنند. ما هم ظرفیت تعامل زیادی داریم که همکاری کنیم. موانعی هم وجود دارد که باید آنها را از سر راه برداشت. بدون برداشتن این موانع کاری پیش نمی‌رود». واقعیت این است که ایشان همیشه پشت‌گرمی برای انقلاب و نظام بودند.

● **وقتی خبر فوت ایشان را شنیدید، اولین واکنش‌تان چه بود؟**

وقتی خبر فوت ایشان را شنیدم، نمی‌دانستم چه بگویم! کمی بعد به نقش پررنگ ایشان فکر کردم. ایشان به دلیل روحیه اجتماعی بالایی که داشتند، هنوز هم توانایی برای کارکردن داشتند. تحلیل جالبی شنیدم که به نظرم درست است. این جمله که خیلی بیشتر از «هاشمی»، «امید به هاشمی» مهم است. معتقدم ایشان خیلی خوب و با سلامت این دنیا را ترک کرد. تا لحظه آخر کار کرد. چه باشکوه مرد. ایستاده و همراه با لبخند به سرای باقی شتافت. واقعا مرگ زیبایی داشت. روحش شاد.

نوجوان، فیلم فجر و

در دوره ایشان کارهایی ریشه گرفت که این روزها این جریان‌ها به ثمر رسیده است و بسیاری از مدیران منصوب ایشان در تثبیت این جریان‌ها نقش داشته‌اند و در آن دوران حرکت‌های فرهنگی و هنری بسیار سخت بود و برای همین سه وزیر فرهنگ و ارشاد عوض شدند چون همواره همه‌چیز مورد هجوم قرار می‌گرفت و وزیرانی که منصوب می‌کرد، با دستورالعمل پیش می‌رفتند و در این رابطه موفق عمل می‌کردند.

چقدر مدیران در آن دوره به‌درستی انتخاب می‌شدند؟

نکته جالب این است که رفسنجانی می‌خواست تفکر شایسته‌سالاری را جا بیندازد و البته دراین‌باره دیگران می‌توانند ارزیابی کنند که چقدر موفق بوده است؛ اما بنده این احساس را داشتم که آقای رفسنجانی به دنبال رواج شایسته‌سالاری در ایران بود.

آیا خاطره‌ای هم از ایشان دارید؟

نکته دیگر خاطره خصوصی من است از آقای رفسنجانی که برای بازدید از فرهنگ‌سرای بهمین آمده بود و سه ساعت وقت گذاشت تا از تمام زیربوم آنجا گفته شود و حتی در زمان بازدید از کاری با یک دستگاه سربازی‌شوی که مربوط به دوره‌ای بود که آنجا سالن کشتارگاه بود، روبه‌رو شد که من آن را رنگ‌آمیزی کرده بودم. گفت: این چیست؟! گفتم: مجسمه خاطره است! با دقت نگاهش کرد. گفتم: حاج‌آقا در آینده به دشواری می‌شود ثابت کرد اینجا کشتارگاه بوده است. این دستگاه را نگه داشته‌ایم که مردم سؤال کنند چیست و این جواب را بگیرند. مردم ما کم‌حافظه هستند و این روزها را چه خاطر می‌برند که در چه شرایط سختی کار کرده‌اید. ایشان هم با درایت سکوت کردند و به فکر فرو رفتند، گفتم: ممکن است یادآوری این دوران سخت ناممکن باشد و بسیاری خیلی راحت بخواهند این دوران را مورد لعن و طعن قرار دهند که اینجا مثال‌های روشنی است برای اینکه کارهای دوراندیشانه‌تان به یادگار بماند.

آیا پیش می‌آمد که بتوانید از ایشان انتقاد کنید؟

در آن زمان و شرایطی که ایشان را احاطه کرده بود، مسائل بسیاری بود که مانع از توجه به آنها می‌شد. یک‌بار که بنده مدیرعامل خانه هنرمندان ایران بودم و ایشان برای انتخابات ریاست‌جمهوری (۸۴) کاندیدا شده بود، به ایشان گفتم: شما از همه مشاغل نام می‌برید الا هنر و اصلا هنر را شغل نمی‌دانید و چندان توجهی به امنیت شغلی هنرمندان ندارید و آن را به زبان هم نمی‌آورید. ایشان هم انتقاد را تأیید کرد و گفت: من در این رابطه کم‌توجهی کرده‌ام؛ اما این‌بار چه رئیس جمهور بشوم و چه نشوم، به خانه هنرمندان می‌آیم، متأسفانه هرگز این وعده عملی نشد؛ اما از اینکه تقدم را به‌سرعت پذیرفت برایم جای خوشحالی است.

اگر بخوایم جمع‌بندی کنیم چه سخن دیگری درباره ایشان دارید؟

معتقدم محسنات و امتیازات آقای رفسنجانی زودتر از آنچه تصور می‌شود با توجه به خالی که بعد از فوتش ایجاد شده است، آشکارتر شود و از این به بعد به آقای رفسنجانی ادای دین بیشتری خواهند کرد.

اهدای جوایز گلدن گلوب با چاشنی نقد «ترامپ»

زن در این بخش شدند؛ اما در مقابل «مهباب» که در شش رشته نامزد بود، فقط توانست جایزه بهترین فیلم بخش دراما را به دست بیاورد. در بخش بهترین فیلم خارجی‌زبان فیلم‌های «وروشده» به کارگردانی اصغر فرهادی در کنار «خدایان» (فرانسه)، «او» (فرانسه)، «نرودا» (شیلی)، «تونی اردمن» (آلمان) نامزد دریافت جایزه بودند که در نهایت فیلم «او» به کارگردانی «پل وروهنف» از فرانسه موفق شد این جایزه را دریافت کند. در این مراسم نیز «مریل استرپ»، بازیگر تحسین‌برانگیز، نیز جایزه «سسیل بی. دومیل» را برای یک عمر دستاورد هنری دریافت کرد. او هنگام دریافت جایزه‌اش بدون عنوان‌کردن نام، انتقادهای تندی علیه «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهوری جدید آمریکا، کرد. او در این مراسم «ترامپ» را به دلیل مسائلی مانند مهاجرت و مسخرکردن خبرنگاری معلول در کمپین انتخاباتی خود مورد

شرق: بالاخره برندگان هفتادوپنجمین دوره مراسم گلدن‌گلوب اعلام و فیلم‌های «لالا‌لند» و «مهباب» در هفتادوپنجمین دوره مراسم اهدای جوایز «گلدن‌گلوب» به‌عنوان بهترین فیلم‌های موزیکال/کمدی و دراما معرفی شدند. مجری این مراسم که در لس‌آنجلس برگزار شد، جیمی فالون، چهره مشهور تلویزیونی آمریکا، بود. او مجری تلویزیون، کمدین، بازیگر، آهنگ‌ساز و تهیه‌کننده آمریکایی است که این روزها در تلویزیون با برنامه «امشب با اجرای جیمی فالون» شهرت زیادی کسب کرده است. فیلم «لالا‌لند» که در هفت بخش نامزد شده بود، توانست در همه این رشته‌ها برنده شود. «دیمین شزل» جایزه بهترین کارگردانی و بهترین فیلم‌نامه را در بخش موزیکال/کمدی برای «لالا‌لند» گرفت. «رایان گاسلینگ» و «اما استون»، بازیگران این فیلم نیز برنده جایزه بهترین بازیگران نقش‌های اصلی مرد و

چهره روز

واکنش هنرمندان به درگذشت «مرد مصلحت»



● **شرق:** درگذشت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی واکنش‌های زیادی در قشرهای مختلف جامعه به همراه داشت و هنرمندان نیز با انتشار عکسی از او ایس‌واقعہ را در صفحات رسمی خود در اینستاگرام تسلیت گفتند. تینا پاکروان، کارگردان و تهیه‌کننده سینما نوشت: «خبر شوک‌آور بود، اصلاحات یتیم شد، خداحافظ سیاستمدار بزرگ ایران». بهنوش بختیاری هم با انتشار عکسی از آیت‌الله هاشمی نوشت: «بازگشت همه به سوی اوست، تسلیت و روحشان شاد و یادشان گرامی». بیژن بنفشه‌خواه با انتشار عکسی در گذشت آیت‌الله هاشمی را تسلیت گفت.سیدجواد رضویان هم دراین‌باره نوشت: «به نام حضرت حق، خدائگهار آقای هاشمی‌رفسنجانی». رضا میرکریمی: «خداحافظ یار صبور». پرتو صالحی: «طرفدار هیچ حزب و دسته و نظامی نیستم ولی دلم سوخت و ناراحت شدم، درست عین وقتی که حاج سیداحمد خمینی از دنیا رفت دلم خیلی سوخت، از نزدیک تو چند تا مراسم دیده بودمشون، آرام و مهربان بودن روحشان شاد و الان دیگه تعجب نمی‌کنم که چرا صداوسیما به مرگ هنرمندان بی‌اعتناست چراکه برای این درگذشت آیت‌الله رفسنجانی یار انقلاب هم برنامه‌های سیما قطع نشد بدون وقفه، حالا کی مهمه و چی الله اعلم». سارا بهرامی: «مرد سیاست... روحش شاد». نازنین بیاتی: «اگر شمار دو چشم یک تن کم/وز شمار خرد هزاران بیش. رودکی». مجید توکلی: «برای نسل ما ترسناک است. ترس، همراه با تپش قلب، اما این‌بار یک ترس نظامی برای مردم و دولت برای اولین بار... همه اینها یک معنی دارد. مرد بزرگی رفت»پوران درخشنده: «خداحافظ مرد بزرگ روزهای سخت روحش شاد...علی نصیریان نوشته است: «از این اتفاق واقعا متأثر و متأسفم. ایشان از ستون‌های این انقلاب بود و تنها برای فقدان او می‌توان تأسف خورد».منیرّه حکمت‌گفته است: «در این روزها که خاورمیانه در آتش جنگ و عداوت می‌سوزد و ایران نیازی مبرم به تعادل و تعامل دارد، که تنها این دو عامل ناجی کشور عزیزمان خواهند بود، ما یکی از نشانه‌های تعادل و تعامل‌گرمان را از دست دادیم. امیدوارم که در سال‌های پیش‌رو، بتوانیم بدون حضور آقای هاشمی‌رفسنجانی، روال عادی پیشروی مملکت را مثل گذشته حفظ کنیم تا روح او در شادی و آرامش قرار بگیرد. از شنیدن این خبر بسیار غمگین و بهت‌زده هستم». هوشنگ مرادی‌کرمانی نوشته است: «آنچه از آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به ذهن من می‌رسد، بیشتر از جنبه همشهری بودن است. او اگرچه مانند زنده‌یاد استاد محمدابراهیم ایبستانی پاریزی که به کرمان تعصب داشت و هر مطلبی که می‌نوشت، بدون یادآوری زادگاهش نبود؛ اما تنها شخصیت جمهوری اسلامی ایران که از هدایای دوران ریاست‌جمهوری، موزه‌ای در زادگاه خود (رفسنجان) برپا ساخت که ستودنی است. هاشمی‌رفسنجانی بود. دیگر وجه مهم او، خاطره‌نویسی است و از این منظر، تنها کسی بود که پس از انقلاب، به چنین اقدامی همت گمارد. او با صراحت در گفتار، در یادداشت‌های روزانه‌اش، مطالبی را ذکر کرد که شاید در آینده، تأثیرگذار باشد و به تعبیر افکار عمومی کمک کند. او کسی بود که دنیا با او جمهوری اسلامی ایران را روی شانه‌هایش حس می‌کرد، حسین پاکدل که این روزها مشغول تمرین نمایش جدیدش است گفته: «جامعه ما یکی از چهره‌های خردمند و واقع‌بین و بالئاف خود را که می‌توانست جامعه ایران را به سمت اعتدال پیش برد در دست داد که موجب تأسف است. به این راحتی‌ها نمی‌توان فقدان او را جبران کرد. امیدوارم سیاستمداران ما از منش ایشان الگو بگیرند». جمشید هاشم‌پور: «تسلیت به مردم ایران». مهدی سلطانی:

«من می‌روم... تو می‌روی... او رفت... آنها می‌روند... همه می‌رویم». سپند امیرسلیمانی: «سیاسی نیستم اما او از مردان تأثیرگذار تاریخ ایران بود». ابراهیم حاتم‌کیا: «آنانالله و انانالله راجعون. نمی‌شود از انقلاب اسلامی ایران حرف زد. بی‌آنکه از آیت‌الله رفسنجانی بادی نگرند. نمی‌شود برگ‌های تاریخ انقلابمان را ورق زد. اما نام آیت‌الله رفسنجانی را ندید. حافظه تاریخ انقلاب، بی‌نام آیت‌الله رفسنجانی کامل نیست». رامبد جوان: «درگذشت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، از به همه ملت ایران تسلیت عرض می‌کنم». شایلا خندان: «بگذارید و بگذرید/ ببینید و دل نبندید/ چشم بیندازد و دل مازید/که دیر یا زود باید گذاشت و گذشت. تسلیت و روحش شاد». سیدجمال ساداتیان تهیه‌کننده سینما که زمانی یکی از مسئولان دفتر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی بوده است، خاطراتی را از توجه این شخصیت سیاسی به سینما بیان کرد. به گزارش ایسنا، «سیدجمال ساداتیان» که بیشتر به عنوان تهیه‌کننده سینما و فیلم‌هایی مانند «به رنگ ارغوان» حاتم‌کیا و «چهارشنبه‌سوری» فرهادی شناخته می‌شود، در سال‌های دهه ۶۰ در سمت مسئول دفتری آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در زمان ریاست بر مجلس و رئیس‌جمهوری با وی همکاری داشته و حتی قبل از آن هم در زمان شکل‌گیری حزب جمهوری اسلامی ایران در کنار این شخصیت سیاسی نظام فعالیت داشته است.این تهیه‌کننده سینما در گفت‌وویی با ایسنا بیان کرد: «یکی از مهم‌ترین خاطراتم که در ارتباط با سینما هم باشد، به فیلم «کاتی مانگا» ساخته سیفالله داد برگردد».